اختصاصی خراسان

دزد سقف های شیروانی با شلیک پلیس مجروح شد

این سارق سابقه دار ۷ سال زندانی تعلیقی دارد!

سجادپور – سارق سابقه داری که این بار قصد داشت شیروانی های حلبی یک ساختمان نیمه کاره را سرقت کند، با شلیک پلیس مجروح و به مرکز درمانی منتقل شد.

به گزارش اختصاصی خراسان، این حادثه در ساعات اولیه بامداد روز گذشته هنگامی رخ داد که نیروهای گشت کلانتری شفای مشهد مشغول حفاظت شبانه از اموال مردم بودند.

آن ها که با دستور سرگرد علی امارلو (رئیس کلانتری شفا) در کوچه پس کوچه های بولوار هدایت به گشت زنی ادامه می دادند، ناگهان دو جوان را در تاریکی شب روی سقف ساختمان نیمه کاره ای دیدند که در حال بریدن شیروانی ها بودند. دزدان سقف های شیروانی در یک لحظه با مشاهده ماموران پا به فرار گذاشتند و به اخطارهای قانونی نیروهای گشت نیز توجهی نکردند اما افسران ورزیده انتظامی، یکی از آن ها را در حالی محاصره کردند که با کاردی بزرگ به سمت ماموران حمله ور شد تا راه گریزی بیابد. در این هنگام نیروهای گشت با شلیک تیر هوایی از او خواستند تا خود را تسلیم قانون کند.

دزد سابقه دار باز هم به رفتارهای خطرناک خود ادامه داد تا این که یکی از افسران پلیس به ناچار پای وی را هدف گرفت و گلوله ای شلیک کرد. با دستگیری این سارق مشخص شد که او از دزدان سابقه داری است که چندین بار روانه زندان شده و هم اکنون نیز هفت سال زندانی تعلیقی در کارنامه سیاهش دارد. شایان ذکر است، عملیات های گسترده پلیس مشهد با صدور فرمانی ویژه از سوی سرهنگ حسین دهقان پور (فرمانده انتظامی مشهد) برای مبارزه قاطعانه با یغماگران اموال مردم در آستانه نوروز آغاز شده است.

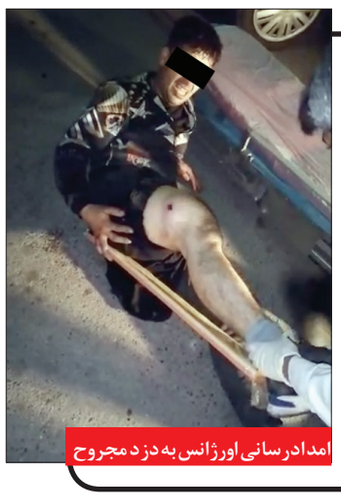
امدادرسانی اورژانس به دزد مجروح

عکس اختصاصی از خراسان

اختصاصی خراسان

با اعترافات تکان دهنده عامل قتل مرد فرش فروش لو رفت

آدمکشی برای خرید لوازم خانگی!

سجادپور – دزد سابقه داری که زندگی اش را در آتش اعتیاد سوزانده بود، در اولین جلسه بازپرسی، به قتل مرد فرش فروش با انگیزه خرید لوازم خانگی در مشهد اعتراف کرد.

به گزارش اختصاصی خراسان، بیست و هشتم بهمن پرونده گزارش «آدم ربایی» از کلانتری گلشهر مشهد به پلیس آگاهی خراسان رضوی ارسال شد و با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع بلافاصله با دستورات ویژه سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) در دستور کار نیروهای اداره جنایی قرار گرفت. چند دقیقه بعد گروه ورزیده ای از کارآگاهان با تجربه دایره مبارزه با آدم ربایی و سرقت های مسلحانه وارد عمل شدند و تحقیقات میدانی گسترده ای را با هدایت مستقیم سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی) آغاز کردند. پسر جوانی که ماجرای «آدم ربایی» را به پلیس گزارش داده بود، در تشریح جزئیات این حادثه به کارآگاهان گفت: ظهر پنج شنبه (بیست و هشتم بهمن) موتورسواری که کاپشن بادی و شلوار پلنگی به تن داشت به فرش فروشی پدرم در منطقه گلشهر مشهد مراجعه کرد

متهم هنگام دستگیری در منزل مسکونی

و او را با خودش برد ولی ساعتی بعد همان جوان آپاچی سوار دوباره به همراه راننده یک دستگاه وانت پیکان به فرش فروشی وارد شده و در حالی که کلید فروشگاه را در اختیار داشته سه تخته فرش را به قسمت بار خودرو وانت انداخته و با خود برده اند اما اکنون از پدرم که مردی حدود ۵۷ ساله است، هیچ خبری نداریم و به منزل هم بازنگشته است.

بنابر گزارش خراسان، در پی اظهارات این مرد جوان، ماجرای آدم ربایی با انگیزه زورگیری قوت گرفت و بدین ترتیب گروه عملیاتی کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ وحید حمیدفر (رئیس دایره مبارزه با آدم ربایی و سرقت های مسلحانه) ردیابی های اطلاعاتی را با انجام یک سری تحقیقات میدانی و بازبینی دوربین های ترافیکی به منطقه وقوع جرم گسترش دادند. بررسی های غیرمحسوس حاکی از آن بود که جوان تنومند موتورسوار حتی از مادر کهن سال مرد گم شده نیز برای باز کردن در فروشگاه کمک خواسته است تا بتواند فرش ها را حمل کند. طولی نکشید که کارآگاهان با تجربه پلیس آگاهی با هماهنگی های قضایی موفق شدند به شماره پلاک وانت پیکان دست یابند و راننده جوان آن را دستگیر کنند. این مرد راننده که مدعی بود برای امرار معاش خانواده اش با خودرو باربری می کند تا نان حلالی به دست آورد از ماجرای آدم ربایی اظهار بی اطلاعی کرد و گفت: حدود بعداز ظهر بود که جوانی از من خواست تا در قبال دریافت ۳۰ هزار تومان دستمزد، سه تخته فرش را به خیابان شهید شفیعی ۳۹ انتقال دهم. براساس این گزارش، کارآگاهان در پی اظهارات مرد راننده، بلافاصله منزل ویلایی دوطبقه ای را شناسایی کردند که راننده وانت فرش ها را به آن ساختمان منتقل کرده بود اما هیچ کس درون منزل نبود و موتورسیکلت آپاچی هم داخل ساختمان وجود نداشت. به همین دلیل کارآگاهان به کمین نشستند و اطراف ساختمان را با پوشش مبدل به محاصره درآوردند. حدود ساعت ۱۹ بود که ناگهان جوان آپاچی سوار وارد کمین کارآگاهان شد و به طرف ساختمان مذکور رفت. هنوز کلید را درون قفل نچرخانده بود که کارآگاهان در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه، دستبندهای قانون را بر دستان وی حلقه زدند و او را به داخل منزل کشاندند. این جوان ۴۰ ساله که حیرت زده به کارآگاهان می نگریست و مدعی بود به اشتباه دستگیر شده است، وقتی متوجه شد که کارآگاهان در پی یافتن مرد فرش فروش هستند و او را شناسایی کرده اند، سکوت را بر سروصداهای بیهوده ترجیح داد و در همین حال به سرقت فرش ها اعتراف کرد. گزارش خراسان حاکی است، وقتی کارآگاهان برای یافتن مرد گم شده به طبقه دوم ساختمان رفتند ناگهان با صحنه عجیبی روبه رو شدند که از وقوع جنایتی هولناک حکایت داشت. درون آشپزخانه به هم ریخته منزل، تخته فرش موکت گونه ای خودنمایی می کرد که انگار به دور پیکر یک انسان پیچیده شده است. دیگر ماجرا به یک پرونده جنایی گره خورده بود و کارآگاهان یقین داشتند که متهم ۴۰ ساله، مرد فرش فروش را به قتل رسانده و جسد او را درون فرش گذاشته است. به همین دلیل آنان با حفظ صحنه کشف جسد، مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند و بدین ترتیب دقایقی بعد با حضور شبانه قاضی «محمود عارفی راد» در منزل مذکور، پارچه های طناب گونه از اطراف فرش باز شد که جسد مرد فرش فروش درون آن قرار داشت. متهم ۴۰ ساله که خود را «جلیل – ذ» معرفی می کرد و سه فقره سابقه کیفری سرقت داشت، در حالی سرقت فرش ها را پذیرفت که مدعی بود در قتل مرد فرش فروش نقشی نداشته و فرد ناشناس دیگری او را کشته است.

متهم به قتل در جلسه بازپرسی

به گزارش اختصاصی خراسان، در بازرسی بدنی از این جوان سارق، رسیدهای خرید لوازم خانگی کشف شد که بررسی ها نشان داد او با استفاده از کارت بانکی مقتول تعدادی لوازم خانگی از فروشگاهی در گلشهر خریداری کرده است.

هنوز کارآگاهان و مقام قضایی در حال تکمیل تحقیقات و جمع آوری اسناد و مدارک این جنایت هولناک بودند که خودروی وانت دیگری، تعدادی لوازم خانگی مانند ماشین لباس شویی دوقلو، اجاق گاز، ظرف و ظروف تفلون و... را به محل ساختمان مذکور انتقال داد که با اظهارات راننده مشخص شد متهم این پرونده جنایی، لوازم مذکور را به مبلغی حدود ۳۵ میلیون تومان خریده و فروشنده کالا نیز پس از دریافت وجه از طریق کارت خوان، لوازم خانگی خریداری شده را به نشانی اعلامی از سوی «جلیل – ذ» فرستاده است.

ادامه گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، در حالی که متهم یاد شده همچنان قصد داشت فرد ناشناس را به عنوان «قاتل» معرفی کند، وی پس از گذشت چند روز از وقوع جنایت، مقابل میز عدالت ایستاد تا به سوالات تخصصی قاضی «عارفی راد» درباره چگونگی ماجرای سرقت فرش ها پاسخ دهد. این متهم هنگامی که متوجه شد با اسناد و مدارک انکارناپذیر کارآگاهان و تحقیقات میدانی مقام قضایی در محل کشف جسد، دیگر داستان سرایی های خیالی رنگی ندارد به ناچار در تنگنای سوالات فنی قاضی ویژه قتل عمد، ناگهان تصمیم به افشای حقیقت ماجرا گرفت و در حالی که بیان می کرد «اعتیاد زندگی ام را به آتش کشید» در اعترافاتی تکان دهنده گفت: مدتی قبل همسرم به خاطر اختلافات شدید خانوادگی مرا رها کرد و به همراه چهار فرزندم به منزل پدرش رفت چرا که من اعتیاد شدیدی به موادمخدر صنعتی داشتم و همواره برای فروش لوازم خانه با او درگیر می شدم. من برای تامین هزینه های اعتیاد همه ظرف و ظروف و لوازم خانگی را فروخته بودم و آن ها را اذیت می کردم تا جایی که حتی برای آزار دادن همسرم، گم شدن او را به پلیس گزارش دادم با آن که می دانستم او به خانه پدرش رفته است.

خلاصه اعتیاد زندگی ام را به آتش کشید تا جایی که دیگر هیچ چیزی نداشتم و با یک آشفتگی و بی سروسامانی روبه رو بودم. بالاخره برای آن که بتوانم لوازم خانگی از دست رفته را دوباره خریداری کنم، نقشه سرقت و آدم ربایی را طرح کردم به گونه ای که کسی متوجه نقشه دستبرد به فرش فروشی نشود. ظهر روز حادثه به سراغ مرد ۵۷ ساله فرش فروش رفتم و با این ترفند که چند فرش برای فروش دارم از او خواستم همراهم بیاید و پس از دیدن فرش های خیالی قیمت آن را تعیین کند.

آن روز لباس های گشاد مانند کاپشن بادی پوشیده بودم تا شناسایی نشوم. وقتی اعتماد مرد فرش فروش را جلب کردم، او را بر ترک موتورسیکلت آپاچی نشاندم و طبق نقشه به منزل مسکونی بردم.

هنگامی که به طبقه بالا رفت در یک لحظه از پشت سر به او حمله ور شدم و دست و پاهایش را با طنابی که از قبل آن جا گذشته بودم، محکم بستم. بعد هم زمانی که به زور و تهدید رمز کارت بانکی اش را گرفتم، او را با دستمال خفه کردم و با برداشتن کلیدهای فروشگاه پیکرش را به داخل آشپزخانه کشاندم و فرش کهنه را به دورش پیچیدم و با پارچه ها، طناب پیچ کردم.

متهم این پرونده جنایی که در حضور قاضی «محمود عارفی راد» جزئیات این جنایت تکان دهنده را بازگو می کرد، در ادامه اعترافاتش افزود: سپس به یک فروشگاه در کوی گلشهر رفتم و حدود ۳۵ میلیون تومان لوازم خانگی خریدم اما زمانی که به خانه بازگشتم ناگهان در محاصره کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتم و دستگیر شدم. البته قصد داشتم با تاریکی شب، جسد را به بیابان های اطراف

جسد مرد فرش فروش در لابه لای فرش کهنه

عکس ها اختصاصی از خراسان

منتقل کنم و آثار جنایی را از بین ببرم تا با این آدمکشی زندگی سوخته ام را دوباره با خرید لوازم از دست رفته، بنیان کنم که...

به گزارش خراسان، متهم به قتل مرد طلافروش، بعد از اعترافات تکان دهنده، روانه زندان شد تا بررسی های بیشتر درباره زوایای پنهان این جنایت زیر نظر سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی خراسان رضوی) ادامه یابد.

کشف بیش از ۱۰۰۰ کیلو مواد افیونی از سوداگران مرگ

توکلی – در دو عملیات پلیسی، ۱۰۷۳ کیلوگرم حشیش و تریاک از سوداگران مرگ کشف شد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی استان کرمان در این باره بیان کرد: در عملیات تکاوران یگان ۱۲۵ بخش «زهکلوت» شهرستان رودبار جنوب، ضمن توقیف یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵، یک قاچاقچی دستگیر و ۵۹۰ کیلو تریاک کشف شد. سردار عبدالرضا ناظری ادامه داد: تکاوران یگان ۱۱۵ شهرستان رودبار جنوب هنگام گشت زنی هدفمند در اطراف یکی از روستاهای بخش زهکلوت به یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ مشکوک و با علایم هشداردهنده به آن دستور ایست دادند. وی افزود: راننده و سرنشین خودرو بدون توجه به ایست پلیس با تیراندازی به سمت ماموران قصد فرار داشتند که با عکس العمل و آتش پرحجم ماموران روبه رو شدند و به ناچار خودرو را در یک نقطه رها کردند و از محل گریختند. این مقام ارشد انتظامی گفت: تکاوران در بازرسی از خودروی قاچاقچیان ۵۹۰ کیلوگرم تریاک را کشف و در ادامه عملیات در پاک سازی منطقه ضمن کشف یک قبضه سلاح، راننده خودرو را نیز دستگیر کردند که با تشکیل پرونده در این زمینه و تحویل متهم به مرجع قضایی، تلاش برای دستگیری سایر عوامل مرتبط با این پرونده در دستور کار پلیس قرار دارد. فرمانده انتظامی استان کرمان همچنین از درگیری تکاوران پلیس با قاچاقچیان مسلح موادمخدر در منطقه «تهرود» شهرستان «بم» خبر داد و افزود: تکاوران یگان ۱۱۴ شهرستان بم با انجام اقدامات اطلاعاتی از قصد قاچاقچیان برای انتقال یک محموله سنگین مواد مخدر از طریق جاده های خاکی و بیابانی در منطقه «تهرود» باخبر شدند و موضوع را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند که در ادامه تکاوران پلیس شبانه با کنترل منطقه مدنظر به محض مشاهده خودروی پژو ۴۰۵ قاچاقچیان با هشدارهای پی در پی قصد متوقف کردن خودرو را داشتند که راننده و سرنشینان آن با تیراندازی به سمت ماموران ضمن رها کردن خودرو، با استفاده از تاریکی شب از محل فرار کردند. این مقام ارشد انتظامی خاطرنشان کرد: نیروهای تکاور در بازرسی از این خودرو، ۱۴۶ کیلوگرم تریاک و ۳۳۷ کیلوگرم حشیش و در مجموع ۴۸۳ کیلوگرم مواد افیونی کشف کردند.

ماجرای عجیب پرتاب سنگ به بالگرد اورژانس هوایی جیرفت

کرمانی – دانشگاه علوم پزشکی جیرفت به دلیل پرتاب سنگ به سمت بالگرد اورژانس خواستار پیگیری قضایی حادثه شده است.

سرپرست اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث جیرفت در واکنش به انتشار فیلمی با محتوای پرتاب سنگ به بالگرد در فضای مجازی توضیحاتی ارائه کرد. ابراهیم افضلی با اشاره به فیلم پرتاب سنگ به بالگرد اورژانس هنگام ماموریت در جنوب کرمان بیان کرد: دهم اسفند جاری، بالگرد اورژانس هوایی به ماموریت تصادفی اعزام می شود که ۹ مجروح داشته است، این در حالی است که به دلیل شدت برخورد، دو تن از مجروحان در دم فوت می کنند. وی ادامه داد: پس از تریاژ و دسته بندی مصدومان و ارزیابی کارشناسان فوریت های پزشکی، مشخص می شود که یکی از مصدومان فوت کرده و افراد حاضر در صحنه بدون داشتن اطلاعات پزشکی و در فضای احساسی شکل گرفته اصرار بر انتقال فرد کشته شده توسط بالگرد اورژانس هوایی را داشتند که به صورت خودجوش فرد فوت شده را در اقدامی خطرناک به سمت بالگرد منتقل می کنند و در پایان، فردی به سمت بالگرد سنگ پرتاب می کند.

افضلی با بیان این که مشابه این اتفاق در خوزستان افتاده و فرد خاطی به ۱۸ ماه حبس و تبعید از محل زندگی محکوم شده است، افزود: برای شکستن یک شیشه از بالگرد خسارت میلیاردی به اورژانس وارد می شود. وی گفت: اورژانس جیرفت اتفاق پیش آمده را از طریق دایره حقوقی دانشگاه علوم پزشکی پیگیری خواهد کرد و از دادستان کهنوج و مراجع قضایی خواهان پیگیری ماجرا و برخورد با افراد خاطی است تا از پیش آمدن چنین حوادثی در آینده پیشگیری شود. وی گفت: در صورت برخورد سنگ با ملخ امکان سقوط بالگرد و به خطر افتادن جان خدمه پرواز، تیم پزشکی و دیگر افراد حاضر در صحنه وجود داشت و تبعات این حادثه جبران ناپذیر بود.

در امتداد تاریکی

ازدواج جعلی!

بعد از ۱۳ سال زندگی مشترک و زمانی که همسرم به طور ناگهانی من و فرزندانم را ترک کرد و به مکان نامعلومی رفت، تازه فهمیدم که او مردی بی هویت بوده و با شناسنامه جعلی زندگی می کرده است چرا که....

به گزارش خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۹ ساله ای است که برای هویت بخشیدن به فرزندانش دست به دامان قانون شده بود. این زن با بیان این که فرزندانم از کم اهمیت ترین خدمات اجتماعی هم محروم هستند، درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفت: کودک خردسالی بودم که مادرم به دلیل ابتلا به یک بیماری صعب العلاج جان سپرد و پدرم نیز با زن دیگری ازدواج کرد. در این شرایط سرپرستی مرا یکی از بستگان دور پدرم به عهده گرفت که فرزندی نداشتند و مرا به فرزند خواندگی پذیرفتند اما من در منزل آن ها هیچ آرامشی نداشتم و تصور می کردم فقط کارگر آن ها هستم. خلاصه ۲۲ ساله بودم که با اصرار مادرخوانده ام با «قربان علی» ازدواج کردم. او در منزل یکی از همسایگان مادرخوانده ام کارگری می کرد که به خواستگاری ام آمده بود. او نیز شرایطی مشابه من داشت و به خاطر فوت پدر و مادرش در سانحه رانندگی به مشهد مهاجرت کرده بود و در این جا کارگری می کرد. با آن که همسرم برای کار به شهرهای مختلف خراسان رضوی می رفت اما من به او علاقه مند شده بودم و روزهای خوبی را می گذراندم. او بیشتر به سفر می رفت و من هم در این سفرهای کاری همسرم را همراهی می کردم تا این که در یکی از معادن کشور استخدام شد و من برای ادامه زندگی به یکی از استان های جنوبی کشور رفتم ولی ۱۰ سال بعد در حالی که دو فرزند پسر داشتم، همسرم شامل تعدیل نیرو شد و دوباره بیکاری گریبانش را گرفت. به ناچار باز هم به مشهد بازگشتیم و همسرم همان شغل کارگری ساختمان را در پیش گرفت. در حالی که فرزند سومم به دنیا آمده بود، ورق برگشت و روزگارم سیاه شد. حدود ۱۵ سال قبل بود که برای گرفتن شناسنامه آخرین فرزندم به ثبت احوال رفتم اما آن جا شناسنامه همسرم را ضبط کردند. هرچه از قربان علی درباره این ماجرا و پریشانی و آشفتگی اش سوال می کردم، مدعی می شد که مشکلی نیست اما از نگرانی که در چهره اش موج می زد به خوبی می فهمیدم که موضوعی را از من پنهان می کند. بالاخره یک هفته بعد و قبل از آن که برای گرفتن شناسنامه ها به ثبت احوال برود، به بهانه رفتن به سرکار، از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. مدت ها به همراه سه فرزندم چشم به راه بودم تا همسرم به خانه بازگردد ولی او هیچ گاه نیامد. به ناچار به کارگری در خانه های مردم روی آوردم تا هزینه های زندگی ام را تامین کنم. سال ها بعد وقتی فرزندانم به خاطر نداشتن شناسنامه دچار مشکل شدند به خود آمدم و برای پیگیری دریافت شناسنامه به اداره ثبت احوال رفتم. آن جا بود که فهمیدم همسرم روی شناسنامه فردی معلول عکس خودش را نصب و با همان شناسنامه با من هم ازدواج کرده بود. او وقتی متوجه شد که کارکنان ثبت احوال متوجه جعلی بودن شناسنامه شده اند به طور ناگهانی در حالی به مکانی نامعلوم گریخت که من هنوز هم نمی دانم نام واقعی همسرم چه بود و اهل کدام کشور است؟!

اکنون که سال ها از این ماجرا می گذرد، من مانده ام و سه فرزندی که به خاطر بی هویتی پدرشان دچار مشکلات حاد اجتماعی شده اند و...

حالا نیز به کلانتری آمده ام تا چاره قانونی برای مشکلاتم بیابم.

گزارش خراسان حاکی است، بررسی های تخصصی و کارشناسی این پرونده با صدور دستوری از سوی سرهنگ غلامعلی مالداری (رئیس کلانتری پنجتن) به مشاوران دایره مددکاری اجتماعی کلانتری سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

آسیب جزئی به خانه های روستایی در زلزله ۴/۶ ریشتری کهنوج

زمین لرزه ای به بزرگی ۴/۶ درجه در مقیاس درونی زمین ریشتر، کهنوج در جنوب استان کرمان را لرزاند.

به گزارش خراسان، مرکز زلزله نگاری کشوری وابسته به مؤسسهٔ ژئوفیزیک دانشگاه تهران، این زمین لرزه ساعت ۶:۳۶ چهارشنبه در عمق ۱۵ کیلومتری زمین اتفاق افتاد.

به گفته فرماندار کهنوج، مرکز زلزله در روستای چناران از توابع بخش مرکزی کهنوج گزارش شده است. عیدی افزود: خوشبختانه این زلزله خسارت جانی نداشت و فقط دیوار تعدادی از منازل فاقد شناژ در این منطقه دچار ترک خوردگی شده است.

وی یادآور شد: ستاد مدیریت بحران شهرستان در آمادگی کامل به سر می برد و تا کنون چند گروه امدادی و ارزیابی به مناطق اعزام شده اند.